

موعود در قرآن

احمد صادقی اردستانی

چکیده

در دنیای امروز زمزمه هایی از صلح و مصلحان به گوش می رسد. ولی مهم آن است که آیا این مصلحان؛ خود صالحند؟ و آیا ایده و عقیده صالح برای همه انسان ها و به نفع همه محرومان دارند؟ پاسخ به این پرسش کمی مشکل و غیر ممکن به نظر می رسد.

اما موعود صالحی که قرآن با بیان: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الأنبياء، ۲۱/۱۰۵) معرفی می نماید بیانگر آن است که هم صلح و هم مصلح هر دو باید صالح باشند که در این مقاله تا حدی وجه تمایز آنها ارائه می گردد. کلید واژه ها: موعود، مصلح، قرآن، صالح.

مقدمه

ایده ها و زمزمه هایی را، که حداقل در این بیش از نیم قرن، از «صلح» و «استراتژی صلح» از سوی اشخاص^۱ و مجامع بین المللی و منطقه ای می شنویم و مشاهده می کنیم، صلحی است که عمدتاً «صلح ابر قدرتی با ابر قدرت دیگر است» و احیاناً منافع

بخشی از مردم و طبقات محروم جوامع را مد نظر قرار داده اند. اما، آیا خود این «مصلحان» صالحند و ایده و عقیده صالح برای همه انسان ها و به نفع همه محرومان و به بند کشیده شدگان دارند؟! این جهت موضوع مهمی است، که تا حدی آن را ارائه می‌داریم.

آری، آثاری که این سال ها دیده ایم و شعارهایی که شنیده ایم همه، فصلی، حزبی، منطقه ای و خلاصه «ابر قدرتی» مرموز، سودجویانه، فرصت طلبانه و فریب کارانه بوده است، که بررسی آن ها مجال دیگری را می‌طلبد. اما بر اساس قرآن کریم، که ایده‌آدیان توحیدی را یادآور می‌شود و نیز روایات اسلامی، اولین ویژگی صلح طلبی این است، که «مصلح» خود باید «صالح» باشد و نیز اصلاحگری وی فراگیر، همه جانبه و براساس منافع و خیر و صلاح همگان و همه انسان ها به خصوص همه محرومان، در سراسر سرزمین خداوند صورت گیرد، همان چیزی که قرآن کریم، با یادآوری ایده سایر کتب آسمانی نوید آن را می‌دهد، تا فطرت های پاک بشری شکوفا گردد، همه امیدوار شوند و خود را برای رسیدن به چنین روزگار درخشان و لذت بخش با خود سازی و دیگر سازی آماده نمایند. قرآن کریم با واژگان و عبارات تأکید و جدی، به عنوان یک قانون حتمی الهی فرموده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الأنبياء، ۱۰۵/۲۱).

«قد» برای تأکید «کتبنا» یعنی: مکتوب داشته ایم، یک فعل جدی حتمی، که قبلا در «زبور» هم مطرح شده، «أرض» سراسر زمین خداوندی است، نه یک منطقه و یک قاره؛ میراث بر حاکمیت سراسر کره زمین است و «بندگان» یعنی: کسانی که در مرحله نخست طوق بندگی خدا، به معنای واقعی کلمه به گردن نهاده اند، و نیز «صالحان» کسانی هستند که از جهت - اعتقادی و عملی - صلاحیت و شایستگی خدا پسند دارند، خواهند بود.

خداوند، می‌فرماید: «ما؛ در زبور بعد از تورات چنین نوشتیم، که این زمین را بندگان صالح ما، به ارث خواهند برد». آری، در «زبور» داوود (ع) که مجموعه مناجات ها و نیایش های حضرت داوود (ع) است، مزبور ۳۷ جمله ۹ و «ذکر» که منظور «تورات» حضرت موسی کلیم (ع) است، موضوع ظهور منجی صالح، یعنی: حضرت مهدی (ع) آمده است. ۲. در تفسیر آیه فوق چهار نکته مهم قابل توجه است:

۱. امام باقر(ع) درباره معرفی «بندگان صالح خدا» که وارث حاکمیت سراسر کره زمین خواهند شد، فرموده است: «هُم اصحابُ المَهْدی (ع) فی آخر الزمان؛ آنان، یاران حضرت مهدی(ع) در آخر الزمان هستند». ۳

۲. درباره حتمیت ظهور حضرت مهدی(ع) حذیفه بن یمان می گوید: یک روز رسول خدا(ص)، برای ما خطابه ایراد می کرد، ما درباره آینده و سرنوشت دیانت سخن به میان آوردیم، آن حضرت فرمود: «لو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد لطول اللّٰه ذلک حتی یبعث رجلاً من ولدی اسمه اسمی... یملاء الارض قسطاً وعدلاً، کما ملئت ظلماً وجوراً؛ اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می گرداند، تا این که مردی از فرزندان من، که هم نام است و خلق و خوی مرا دارد، ظهور می کند». با شنیدن این سخن سلمان فارسی سؤال کرد این مرد از نسل کدام یک از فرزندان تست؟ رسول خدا(ص) در حالی که دست خود را روی شانه حسین(ع) می زد فرمود: «از نسل این فرزند (حسین(ع)) است، که سراسر زمین را همان طور که از ظلم و ستم انباشته شده، از قسط و عدل لب ریز می گرداند». ۴

۳. امام جعفر صادق(ع) در تشریح ویژگی های صالحان، که یاران حضرت مهدی(ع) هستند و آن حضرت با یاری آنان، سرزمین خداوند را از «عدل و داد» انباشته می گرداند، خطاب به «ابی لیلی» فرمود: «إنکم لا تکونون صالحین حتی تعرفوا، و لا تعرفون حتی تصدقوا، و لا تصدقون حتی تسلّموا أبواباً أربعة لا یصلح أولها إلا بأخرها، ضلّ اصحاب الثلاثة...؛ شما، تا معرفت پیدا نکنید، صالحان نمی گردید و تا حقایق - اهل بیت(ع) - را تصدیق نکنید، معرفت نمی یابید، و تا چهار بابی را، که اول آنها با باب آخر پیوند و اتصال دارد - اقرار به یگانگی خدا، اعتراف به نبوت رسول خدا، عقیده به آن چه رسول خدا آورده «قرآن» و اعتراف به آن چه این ها را شرح و تفسیر می کنند «ائمّه(ع)» - نپذیرید، و تصدیق نکنید، صالح نمی گردید، زیرا همراهان سه باب، جز دوری از حق و گمراهی بهره ای نخواهند داشت، چون خداوند متعال، جز عمل صالح را نمی پذیرد و عمل صالح نیز شرایط و پیمان هایی دارد. که وفای به آنها، بندگی را تکمیل می گرداند، تا در پرتو آن صلاحیت تحقق یابد...». ۵

بنابراین، بر حسب این روایت، صالحانی که وارث حاکمیت سرزمین خداوند

می شوند، علاوه بر ایمان به خدا و بندگی ذات حق، عقیده به نبوت پیامبر (ص) اعتقاد به قرآن و معارف آن و نیز عقیده به کسانی که قرآن را تبیین و تفسیر می کنند، یعنی ائمه اطهار (ع) را باید دارا بوده، بدان متعهد و ملتزم باشند.

۴. برای شناخت این معارف ناب و درک این حقایق توحیدی، از وجود خود آن بزرگواران باید بهره گرفت، و عقاید توحیدی در گفتار و اعمال و رفتار آنان ملاحظه و مشاهده کرد، و از ادعاهای بی اساس و از اشخاصی که بر خلاف معارف ناب توحیدی اسلام حرکت می کنند و اعمال آنان با گفتارشان سازگار نیست، پرهیز داشت.

امام علی (ع) درباره نخستین مرحله اعتقادی صالح فرموده است: «إعرفوا الله بالله، و الرسول بالرسالة، و أولى الأمر، بالأمر بالمعروف، و العدل و الاحسان؛ خداوند متعال را به وسیله - هدایت و عظمت - خود او - آن گونه که هست - بشناسید، و رسول خدا را به وسیله - حقانیت - و نحوه ادای رسالت او بشناسید، و اولی الامر را با - سه ویژگی - : امر به معروف، رعایت عدل و ادای احسان - و همه پاکي ها و نيكي ها - بشناسید».^۶

شیخ کلینی^۷ و علامه محمد باقر مجلسی^۸، در تبیین قسمت اول کلام امام علی (ع) شرح مناسبی دارند، اما توضیح شیخ صدوق در شرح: «خدا را جز به وسیله خود خدا نمی توان شناخت» نظر خویش که چنین هم است بهتر می داند و می نویسد: صحیح این است، که گفته شود؛ خدا را به وسیله خود خدا شناخته ایم، زیرا اگر بخواهیم او را با عقل های خویش بشناسیم، این عقل ها را او به ما عطا کرده، و اگر بخواهیم خداوند متعال را به وسیله پیامبران و رسولان و حجّت های او بشناسیم، او آن ها را مبعوث داشته و حجّت قرار داده، و اگر بخواهیم خدا به وسیله وجود خویش بشناسیم، او به وجود آورنده خود ماست، بنابراین، ناچار باید خدا را به وسیله خود خدا بشناسیم...^۹

حضرت امام زین العابدین (ع) هم در دعا به درگاه الهی عرضه می دارد: «بک عرفتك و أنت دللتنی علیک و دعوتنی الیک و لو لا أنت، لم أدر ما أنت؛ خدایا! به وسیله تو، تو را شناختم و تو مرا به شناخت خویش راهنمایی و دعوت کردی، و اگر تو نبودی، نمی دانستم تو کیستی؟!»^{۱۰}. در دعایی، که در زمان غیبت حضرت مهدی (ع) وارد شده، می خوانیم: «اللهم عرفنی نفسک، فانک إن لم تعرفنی نفسک، لم أعرفنی رسولک...؛ خدایا! خودت را به من بشناسان، زیرا اگر خود را به من نشناسانی، نمی توانم رسول تو را بشناسم».^{۱۱}

آفتاب آمد ، دلیل آفتاب

گر دلالت باید ، از وی رو متاب

ز وی ، ار سایه ، نشانی می دهد

شمس هر دم ، نور جانی می دهد^{۱۲}

بنابراین ، در مرحله نخست باید خداوند را شناخت تا معرفت خویش را با عنایت ، به روی ما بازگشاید ، و آن ذات مقدس را آن طور خود معرفی کرده ، بی کم و کاست و بدون تشبیه به کسی و چیزی ، او را شناخت ، و صالحانی ، که طبق وعده قرآن کریم ، وارثان حاکمیت سراسر کره زمین می گرداند ، از لحاظ اعتقاد توحیدی - که گفتار و اعمال و رفتار آنان بر این اساس تنظیم و تطبیق می شود - باید این گونه باشند ، و در مورد معارف عقیدتی و رفتاری ، در برابر این معارف ناب اهل بیت (ع) ، سر تعظیم و تکریم و اطاعت فرود آورند .

خلافت آرامش آفرین

اگر چه در روزگار خلافت و حاکمیت پیامبرانی چون : آدم (ع) ، داوود (ع) ، و حضرت سلیمان (ع) خلافت های آرامش آفرین نسبی در برخی از سرزمین ها وجود داشته است ، ولی خلافت فراگیر آرامش آفرینی ، که خداوند متعال وعده آن را داده است ، در آینده به وقوع خواهد پیوست .

قرآن کریم می فرماید : «خداوند به کسانی از شما ، که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند ، وعده می دهد ، که آنها به طور حتم خلیفه روی زمین خواهند شد ، همان طور که به پیشینیان ، خلافت روی زمین را بخشید ، و دین و آئینی ، که برای آن ها پسندیده و پا برجا و ریشه دار خواهد بود داد ، به طوری که بدون ترس و بلکه آرامش آفرین است ، استوار خواهد ساخت ...» (النور ، ۲۴ / ۵۵) .

تعدادی از مفسران ، در شأن نزول این آیه ، موضوعی را با اندک تفاوتی چنین آورده اند : هنگامی که رسول خدا و مسلمانان به مدینه هجرت کردند و انصار - مردم مدینه - با آغوش باز آن را پذیرا شدند ، تمامی مردم عرب بر ضد آن قیام کردند ، ترس و بیم به وجود آوردند ، به طوری که مسلمانان ناچار شدند ، در همه حال مسلح باشند ، یعنی : با سلاح به بستر روند و صبح با سلاح برخیزند و به هر حال در همه حال ، آماده باش باشند ، که ادامه این وضع برای آنان سخت و نگران کننده بود ، تا جایی که حتی شب هم خیال راحت و آسایش

نداشته باشند ، بدین جهت آرزو می کردند که برای آنان چنین روزگاری فرا رسد ، که آیه فوق نازل شد و به آنان مژده ، رفع ناامنی و به وجود آمدن روزگار آرامش در پرتو دین داری داد . ۱۳

در تفسیر این آیه ، که خلافت الهی فراگیر را با آرامش وعده می دهد ، مفسرین قرآن طبق روایت اهل بیت (ع) نوشته اند : «إِنَّهَا فِي الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) ؛ این آیه ، درباره حضرت مهدی (ع) از آل محمد (ص) نازل شده است» . ۱۴

در تفسیر «روح المعانی» و بسیاری از تفاسیر شیعه ، از امام زین العابدین (ع) در تفسیر این آیه روایت شده ، که آن حضرت درباره چنین روزگاری و با خلفا و یاران می فرموده : «هم واللّه شیعتنا أهل البيت (ع) ، يفعل الله ذلك بهم على يدي رجل منا ، و هو مهدي هذه الأمة... ؛ آنها به خدا سوگند شیعیان ما هستند ، که خداوند این کار را برای آنها به دست مردی از خاندان ما انجام می دهد ، که «مهدی» این امت است» ۱۵ . و زمین را پر از عدل و داد می کند ، آن گونه که از ظلم و ستم انباشته شده باشد ، و او همان کسی است ، که رسول خدا در حق او فرموده : «اگر از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد ، آن را طولانی می کند ، تا مردی از عترت من ، که هم نام من است ظهور کند و سراسر کره زمین را از عدل و داد لبریز گرداند» .

عبدالله بن سنان ، می گوید : تفسیر این آیه را از امام صادق (ع) سؤال کردم ، آن حضرت فرمود : «این آیه درباره علی بن ابی طالب (ع) و امامان بعد از او نازل شده و منظور از این قسمت آیه : «برای آنان آئین پسندیده و استوار ، بدون ترس و بیم بلکه آرامش خواهد بود» روزگار ظهور قائم آل محمد (ص) است» . ۱۶

سلاح حضرت مهدی (ع)

موعودی را که قرآن و سایر ادیان الهی وعده ظهور او را داده اند ، به حسب روایات ، در کنار خانه کعبه قیام می کند ، پس از اعلام قیام ، یاران وی ، که در مرحله نخست به تعداد «أصحاب بدر» ۳۱۳ نفرند ، خداوند آنان را در آن جا حاضر می کند ۱۷ . اما طبق روایات متعدد ، قیام آن حضرت با «سیف» ۱۸ یعنی : قیام با شمشیر است در این جا ، دو سؤال مطرح می شود :

الف: این قیام با سنت پیامبر (ص) که در روایات آمده، چگونه سازگار است؟
ب: در برابر سلاح های مدرن و مخرب کشتار جمعی و قدرت مداران دژخیم، شمشیر چه قدرت و کاربردی دارد؟

در توضیح سؤال اول، طبق روایت باید گفت: رسول خدا (ص) درباره روش حضرت مهدی (ع) فرموده است: «دعوهم إلی کتاب ربی عزوجل...؛ آن حضرت، در مرحله نخست همگان را به پیروی از احکام کتاب پروردگار متعال من [قرآن] دعوت می کند»^{۱۹}. بر این اساس قیام حضرت مهدی (ع) با دعوت آغاز می گردد، و علاوه بر یاران ۳۱۳ گانه، وقتی ندای او از کنار کعبه بلندی می شود، و مؤمنان او را می شناسند، حتی آنان که در رخت خواب آرمیده اند، در همان شب خود به حضور آن حضرت می رسانند، بین «رکن» و «قیام» با وی بیعت می کنند^{۲۰}. آن گاه پس از دعوت عمومی و افزایش یاران و سربازان جان بر کف با یک جمعیت ده هزار نفری^{۲۱}، از مکه به سوی کوفه حرکت می کند و به دعوت خویش ادامه می دهند.^{۲۲}

در توضیح سؤال دوم طبیعی است، در برابر این قیام و این حرکت خروشان، کافران و دشمنان ساکت ننشسته بلکه به مخالفت و هجوم و جنگ اقدام می کنند، تا قیام را شکست دهند، حال باید بینیم، حضرت مهدی (ع) و یاران او آیا فقط شمشیر دارند، یا سلاح های دیگری، و بالاخره چگونه و به چه وسایلی دشمنان را منکوب - مغلوب - می گردانند.

از مجموع روایات به دست می آید، که ابزارها و عوامل پیروزی حضرت مهدی (ع) بر همه دشمنان و غلبه نهایی اسلام بر همه ادیان و عقاید و مردم و مسلک های باطل و بی اساس، عبارتند از:

۱. طبق بیان پیامبر (ص) یارانی مؤمن و شجاع و فداکار از مصر، شام، عراق و جاهای دیگر، افراد شب زنده دار و شیران روزی هستند، که دل های آنان چون پاره ای آهن محکم است، بین «رکن» و «مقام» با آن حضرت بیعت می کنند، و در رکاب او مؤمنانه و مجاهدانه به نبرد با دشمنان اقدام می نمایند.^{۲۳}

۲. امام باقر (ع) فرموده است: «وقتی قائم ما (ع) قیام کند، خداوند به وسیله فرشتگان نشانه داری که صف کشیده اند و مقرب درگاه الهی هستند فرود می آیند... روم، چین،

ترک، دیلم، سند، هند، کابل، و خزر را فتح می نمایند». ۲۴

امام صادق (ع) فرموده: «اذا قام القائم صلوات الله عليه، نزلت ملائكة بدر، و هم خمسة آلاف...؛ آن گاه که قائم ما (ع) قیام می کند، فرشتگان «بدر» که پنج هزار نفر بودند - قرآن بیان کرده، که آنان در جنگ «بدر» به یاری پیامبر (ص) شتافتند و آن حضرت با مسلمانان پیروز شدند. آل عمران / ۱۲۳ - حضرت مهدی (ع) را یاری خواهند کرد». ۲۵

۳. وحشت و رعب و ترسی، که در دل دشمنان می افتد، مشاعر و هوش و عقل خود را از دست می دهند و احیاناً علیه خویش اقدامی صورت می دهند، زمینه بسیار مساعد دیگری برای پیروزی حضرت مهدی (ع) است.

امام باقر (ع) فرموده: «القائم منّا، منصور بالرعب، مویّد بالنصر، تطوی له الأرض، وتطهر له الكنوز، يبلغ سلطانه الشرق والغرب، و يظهر الله عزوجل به دینه علی الذین کله و لو کره المشرکون...؛ قائم ما (ع) با رعب وحشت و تأیید الهی پیروز می شود، زمین در زیر پای او درهم نوردیده می شود، گنج های زمین برای او ظاهر می گردد، حکومت او مشرق و مغرب را فرا می گیرد، و خداوند دین او را بر همه ادیان پیروز می گرداند، اگر چه مشرکان آن را خوش نداشته باشند». ۲۶

۴. سرخوردگی ها و ناکامی های افراد حق جو، در برابر ادعاهای ناصواب حکومت ها با شعار عدالت خواهی و دلسوزی و خدمت رسانی به محرومان و درماندگان و نیاز بشریت به چنین خواسته های مشروع و معقولی، زمینه بسیار مساعدی است، که وقتی ندای الهی حضرت مهدی (ع) بلند می شود، این بخش مهم از جامعه بشری با شتاب به سوی او شتافته طرق اطاعت به گردن نهاده و آن حضرت را یاری می کنند.

رسول خدا فرموده است: «یخرج الناس من المشرق، فیوظئون المهدي، یعنی: سُلطانہ؛ مردم از مشرق قیام می کنند و خود را برای ملاقات و یاری حضرت مهدی (ع) آماده می گردانند». ۲۷

۵. علاوه بر اینها، وقتی روایت می گوید: «حضرت مهدی (ع) با «سیف»؛ یعنی: با شمشیر قیام می کند ممکن است گفته شود، واژه «سیف» کنایه از اسلحه است، یعنی: قیام او چون پیامبران (ع) وقتی پیامبر اسلام نیست، که دستور جنگ فراگیر نداشته اند و ابلاغ و انذار باشد، بلکه پس از این مرحله، طبق وعده و مأموریت الهی، باید حاکمیت خداوند

و دین اسلام را پیروز و استوار سازد.

۶. ممکن است همه سلاح های مخرب و کشنده مدرن امروز، با قدرت الهی، یا به وسیله مصلحان بشری از کار بیفتند، چنان که هم اکنون گاهی زمزمه به گوش می رسد، و آنگاه همه سلاح ها چون سلاح حضرت مهدی (ع) و یاران آن حضرت شمشیر باشد.

۷. ممکن است، مصلحانی که در جامعه بشری، همه سلاح های مدرن و پیشرفته را مصادره کنند و در اختیار حضرت مهدی (ع) و یاران او قرار دهند، چنان که در پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مشاهده کردیم، که سلاح های رژیم سابق، در اختیار انقلابیون اسلامی قرار گرفت، در انقلاب یمن و عراق و جاهای دیگر که انقلاب واقع شد این وضع را مشاهده کردیم.

۸. ممکن است آن حضرت، که حجت خدا ذخیره الهی و مأمور از جانب خداوند است، علاوه بر «شمشیر» سلاح هایی را اختراع کند، که ما فوق همه سلاح های مدرن و حتی سلاح های زمان قیام باشد، که بتواند با آن ها، همه سلاح های مدرن و پیشرفته را از کار بیندازد، یا با آن ها نبرد کند، به خصوص این که هم اکنون ۲۵ درصد جمعیت جهان حدود یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفر مسلمان هستند.^{۲۸}

اتمام حجت

در آغاز مقال، موضوع صلح خواهی را، که چندین سال است زمزمه می شود، مورد اشاره قرار دادیم، در این حوزه افراد مختلفی اعم از دانشمند، هنرمند، سیاستمدار، پیر و جوان و بالاخره زنان و مردانی ایده های صلح طلبانه را به نوعی مطرح کرده، یا برای آن اقدام رسانه ای صورت داده اند که به سه مورد آن اشاره می کنیم:

۱. ملاله یوسف زی: دختر نوجوان ۱۷ ساله پاکستانی، که به خاطر نوشتن کتابی برنده «جایزه صلح نوبل ۲۰۱۴-م» شده در پیامی تلویزیونی خطاب به «بارک اوباما» رئیس جمهور آمریکا، از وی خواسته است از ارسال سلاح به دیگر کشورها دست بردارد و به جای آن به دیگر کشورهای جهان کتاب بفرستید و معلم اعزام کنید.^{۲۹}

۲. خانم کتایون ریاحی، هنرمند و بنیانگذار «بنیاد نیکوکاری»، روز نخست فروردین ماه ۱۳۹۳، در «هند» در دیداری با «دالایی لاما» رهبر راهبان بودایی، پیشنهاد داد: که در

قرآن و امام زمان (ع)

روز نخست فروردین - ۲۳ مارس - هر سال را به عنوان «روز خدا و روز صلح و آرامش بشر» نامگذاری کنند و در آن روز: هیچ خونی از انسان و حیوان بر زمین ریخته نشود. ۳۰

۳. سالک صلح «نام کتاب» و عنوان زنی است، که در ۲۸ سال برای صلح راه رفته، باعث بیداری افکار و تشویق هزاران نفر شده و راهپیمایی پرشور او، تأثیر وصف ناپذیری بر مردم گذاشته است. کسانی که با او تماس نزدیک داشته اند، همیشه خاطراتی را از او به یاد می آورند.

از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۸۱، این زن سپید مو، به هر ندای کمکی که شنید، پاسخ مثبت داد و خدمتگزار مردم بود، تنها بار و بنه سفر او در عبور از روستاها و شهرها، یک پیام ساده بود: اگر تعداد کافی از ما انسان ها صلح درونی را در خود پیدا کنیم، به چنان آرامشی خواهیم رسید، که هرگز مجال و فرصتی برای جنگ نخواهد بود.

پس از مرگ این زن فداکار صلح طلب، دوستان او در سال ۱۹۸۱ میلادی مجلس یادبودی برگزار کردند و از روی خاطرات و یادداشت های وی، درباره زندگی شگفت انگیز او پیامی که داشت، کتاب «سالک صلح» را به چاپ رساندند، که به فارسی هم ترجمه شده است. ۳۱

اینها و هزاران مورد، نمونه هایی از دیده ها و روح صلح خواهی بشریت است، که مصداق اکمل آن حضرت مهدی موعود^(ع) خواهد بود. افرادی هم گاهی در مقطعی فرصت می یابد، که میدان دار حکومت عدل گردند، خداوند هم احیانا از «باب اتمام حجت» به آنان میدان می دهد، تا آخرین مرحله از هنر و تدبیر خویش را به نمایش گذارند، تا بر همگان روشن گردد، که آن چه به دست با کفایت حضرت مهدی^(ع) باید تحقق پیدا کند، علاوه بر ادای تکلیف و زمینه سازی، برای ظهور موفور النور آن بزرگوار، توجه داشته باشیم، که امام صادق^(ع) با یک جهان بینی الهی فرموده است: «ما یكون هذا الامر حتى لا يبقى صنف من الناس إلا [قد] ولّوا علی الناس، حتى لا یقول [قائل]: إنا لو ولینا لعدلنا، ثم یقوم القائم بالحق و العدل؛ قیام حضرت مهدی^(ع) واقع نخواهد شد، تا این که هر صنفی از مردم بر مردم حکومت کند [و امتحان دهند] تا دیگر کسی نگوید، اگر ما ولایت [و حکومت] می یافتیم، یا عدالت رفتاری می کردیم، سپس حضرت مهدی^(ع) بر اساس حق قیام می کند و بر مبنای عدالت رفتار می نماید». ۳۲

- ١ . اشاره به : استراتژی صلح ، جان میتر جرال دکندی ، ترجمه ، ١٦ . البرهان فی تفسیر القرآن ، ٣ / ١٤٦ .
- ٢ . تفسیر نمونه ، ١٣ / ٥١٦ - ٥٢١ .
- ٣ . مجمع البیان ، ٧ / ٦٦ ؛ تفسیر البرهان ، ٣ / ٧٥ .
- ٤ . ینابیع المودّه ، ٢ / ٢١٠ و ٣١٨ ؛ العرف الوردی فی أخبار المهدی ، ٢٠ . کمال الدین «صدوق» ، ٢ / ٤١١ ؛ بحار الأنوار ، ٥١ / ٧٣ .
- ٥ . الزمان «متقی هندی» / ٨٤ و ٨٥ ؛ نور الثقلین ، ٣ / ٤٦٤ .
- ٦ . الکافی ، ١ / ٨٥ .
- ٧ . همان .
- ٨ . بحار الأنوار ، ٣ / ٢٧٢ - ٢٧٥ .
- ٩ . التوحید «الصدوق» / ٢٨٥ - ٢٩١ .
- ١٠ . إقبال الأعمال / ٦٧ ؛ مفاتیح الجنان / ١٨٦ .
- ١١ . التوحید / ٢٨٥ «پاورقی» .
- ١٢ . مثنوی معنوی دفتر اول / ٤ .
- ١٣ . أسباب النزول / ١٦٣ ؛ مجمع البیان ، ٤ / ١٥٢ ؛ فی
- ١٤ . مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، ٤ / ١٥٢ .
- ١٥ . همان ؛ و منتخب الأثر فی إمام الثانی عشر ، ٢ / ٤٣ .
- ١٦ . البرهان فی تفسیر القرآن ، ٣ / ١٤٦ .
- ١٧ . الغیبة «الطوسی» / ٣٤٣ - ٣٤٤ ؛ بحار الأنوار ، ٥٢ / ٢١٣ .
- ١٨ . منتخب الأثر ، ٢ / ٣١٥ - ٣١٧ .
- ١٩ . همان / ١٣٤ .
- ٢٠ . کمال الدین «صدوق» ، ٢ / ٤١١ ؛ بحار الأنوار ، ٥١ / ٧٣ .
- ٢١ . کمال الدین «صدوق» ، ١ / ٣٣٠ ؛ منتخب الأثر ، ٢ / ٣٠١ .
- ٢٢ . همان .
- ٢٣ . بحار الأنوار ، ٥٢ / ٣٠٤ .
- ٢٤ . الغیبة «نعمانی» / ٢٤٤ ؛ منتخب الأثر ، ٢ / ٣٠٤ ؛ بحار
- ٢٥ . همان .
- ٢٦ . بحار الأنوار ، ٥٢ / ١٩١ ؛ منتخب الأثر ، ٢ / ٣٠٠ .
- ٢٧ . سنن ابن ماجه ، ٢ / ١٣٦٨ ؛ منتخب الأثر ، ٢ / ٣١٩ .
- ٢٨ . روزنامه اطلاعات ، ٢٧ مهرمه ١٣٩٣ ، شماره ٢٥٩٩٨ / ٤ .
- ٢٩ . روزنامه اطلاعات ، یکم آبان ١٣٩٣ ، شماره ٢٦٠٠٢ / ١٦ .
- ٣٠ . همان ، ١٧ / ١ / ١٣٩٣ ، شماره ٢٥٨٤٠ / ٤ .
- ٣١ . همان ، ٢١ آبان ١٣٩٣ ، شماره ٢٦٠١٧ / ١ .
- ٣٢ . الغیبة «نعمانی» / ٢٨٢ ؛ بحار الأنوار ، ٥٢ / ٢٤٤ .